

# کابینه ۴۴

ابراهیم رحمانی  
کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

به دور از تعلقات نژادی و وابستگی حزبی را عملی سازد. اعضای معرفی شده برای تصدی وزارتخانه به شرح ذیل می‌باشد:

۱- جوزف بایدن، سناتور ارشد ایالت دلاویر (معاون رییس جمهور)

۲- هیلاری کلینتون، سناتور نیویورک و رقیب انتخابات درون حزبی در سال ۲۰۰۸ با اوباما (وزیر امور خارجه)

۳- رابرت گیتس، وزیر دفاع دولت بوش که در سمت خود ابقاء شد

۴- تیموتی گیتنر، رییس بانک مرکزی نیویورک (وزیر خزانه‌داری)

۵- اریک هولدر، (آمریکایی، آفریقایی‌تبار) معاون دادستان کل در دولت بیل کلینتون (وزیر دادگستری یا همان دادستان کل)

۶- استیون چو، (آمریکایی، آسیایی تبار) فیزیکی‌دان برنده جایزه نوبل (وزیر انرژی)

۷- هیلدا سولیس، نماینده مردم کالیفرنیا در کنگره (وزیر کار)

۸- جِد گِرد، "سناتور کهنه‌کار ایالت نیوهمپشایر" (وزیر بازرگانی)

۹- شوان دونووان، وزیر مسکن و توسعه شهری

۱۰- ری لاهود، (آمریکایی، عرب‌تبار) عضو مجلس سنا از حزب جمهوریخواه و رییس کمیته مجلس سنا مسوول بررسی رسوایی اخلاقی بیل کلینتون (وزیر حمل و نقل)

۱۱- کن سالازار، سناتور ایالت کلرادو (وزیر کشور)

۱۲- ارنه دونکان، رییس مدارس دولتی در ایالت شیکاگو (وزیر آموزش و پرورش)

۱۳- ژنرال اریک شینسکی، (آمریکایی، آسیایی‌تبار) وزیر سربازان از جنگ برگشته (کهنه سربازان)

۱۴- ژانت ناپولیتانو، فرماندار دموکرات ایالت آریزونا (وزیر امنیت داخلی)

۱۵- تام داهل، سناتور ایالت داکوتای شمالی و رهبر سابق اکثریت دموکرات‌های سنا (وزیر بهداشت و خدمات انسانی)

۱۶- تام ویلساک (وزیر کشاورزی)

۱۷- ژنرال جیمز جونز، فرمانده سابق ستاد مشترک نیروهای آمریکایی و اروپایی در ناتو (مشاور امنیت ملی)

۱۸- سوزان رایس - (آمریکایی، آفریقایی‌تبار) معاون وزیر امور خارجه دولت کلینتون (نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد)

۱۹- رابرت گیبز، رییس بخش ارتباطات اوباما در سنا، سخنگوی مطبوعاتی جان کری نامزد دموکرات‌ها در سال ۲۰۰۴ و سخنگوی ستاد انتخاباتی اوباما در رقابت‌های ۲۰۰۸ (سخنگوی کاخ سفید)

۲۰- رام امانوئل، مدیر مالی ستاد انتخابات بیل کلینتون (رییس کارکنان کاخ سفید)

آنچه در وهله اول از فهرست بالا استنباط می‌شود این است که کابینه اوباما ترکیبی از افرادی است که هر

لبنان، افغانستان، پرونده هسته ای ایران، تنش موجود بین هند و پاکستان، چین به شدت در حال رشد، روسیه مجدداً ظهور کرده و... دانست که از این طریق اوباما بتواند ضمن برنامه ریزی ضربتی و دقیق برای رهایی از وضعیت وخیم اقتصادی حاکم، زمینه مناسبی را برای ترسیم راهبردهای میان مدت و بلندمدت در راستای دستیابی به اهداف بین‌المللی مدنظر خویش را مهیا نماید.

اندیشه‌های باراک اوباما و اکثریت اعضای کابینه و مشاوران وی که در زیر شاخه بین الملل گرایان لیبرال از حزب دموکرات می‌گنجد، شباهت‌های بسیاری به نومحافظه‌کاران از طیف جمهوریخواهان دارد و فقط یکی از مهمترین تفاوت آنان را چنین می‌توان گفت: "اینان معتقدند صلح دموکراتیک و ارزش‌های آمریکایی به واسطه فعالیت‌های چندجانبه بهتر حاصل می‌شود تا از طریق به کارگیری قوه قهریه و اقدامات یک‌جانبه. و لذا راهکار مناسب در تامین منافع ملی را چندجانبه‌گرایی تجویز می‌کنند."

اوباما دوره‌گه با زیرکی و ظرافت خاصی ضمن بهره گیری از تمامی توان افراد برجسته و صاحب نفوذ حزب خویش، میانه‌روهای حزب جمهوریخواه را در کابینه خود جای داده تا یکی دیگر از شعارهای دوران مبارزات انتخاباتی مبنی بر به کارگیری از همه استعداد‌های ملی،

باراک اوباما که پس از طی مراحل پر فراز و نشیب و مبارزه نفس‌گیر با رقبای داخلی (از حزب دموکرات) و نامزد حزب رقیب (مک کین جمهوریخواه) در پاییز سال جاری به عنوان چهل و چهارمین رییس اجرایی ایالات متحده آمریکا منتخب گردید، نتیجه انتخابات شگفتی و امیدهای بسیاری در داخل و خارج آمریکا به وجود آورد، اما اعلام اسامی نامزدهای تصدی ۲۱ وزارتخانه این کشور موجهی از تعجب را ایجاد کرد و جهانیان را با تضاد گفتار و عمل اوباما مواجه ساخت؛ در نگاه نخست اعضای کابینه جمع نقیضین تلقی می‌گردد ولیکن با نگاه دقیق‌تر و بررسی حلقه مشاوران و اعضای کمین انتخاباتی رییس جمهور سیاه‌پوست به سهولت می‌توان دلیل برگزیدن نام‌های مطرح شده برای تصدی وزارتخانه‌های ایالات متحده را درک نمود زیرا که در سیستم‌های حزبی افراد با عنایت به میزان وفاداری، همراهی و تلاش برای پیاده‌سازی اهداف حزب پاداش دریافت می‌دارند که همین رویه نیز بر ساختار حزبی آمریکا حاکم می‌باشد.

علت سریع اعلام اسامی وزرای پیشنهادی کابینه اوباما (کمتر از یک ماه پس از تأیید پیروزی وی در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۸ میلادی) را باید معلول شرایط سخت داخلی به دلیل بحران اقتصادی، وضعیت حاکم بر صحنه بین‌المللی (صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، عراق،



درون حزبی که ۱۸ ماه به طول انجامید در تاریخ هفتم ژوئن ۲۰۰۸ اعلام کرد که از ادامه مبارزه در مقابل باراک اوباما منصرف شده است. وی سپس حمایت خود را از باراک اوباما برای احراز پست ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرد. دست آخر باراک اوباما در روز اول دسامبر پس از رایزنی‌های مکرر، هیلاری کلینتون را به عنوان نامزد وزیر خارجه آینده آمریکا معرفی کرد. کلینتون پس از قبول این پست اعلام کرد که وی تمایلی برای ترک سنا ندارد، اما پست جدید (وزارت خارجه آمریکا) پستی سخت، اما در عین حال پرمجراست. سناتور برجسته نیویورک، رقیب اصلی باراک اوباما در انتخابات درون حزبی، برای تعیین نامزد حزب دموکرات در انتخابات

آمریکایی از جمله مخالفان سرسخت مواضع افراطی نومحافظه‌کاران و شخص جورج بوش در خصوص ایران است. وی از سناتورهای لیبرال و میانه‌رو به شمار می‌رود که بارها خواهان گفت‌وگو و از سرگیری روابط با ایران شده است، سناتور ایالت دلاویر به دنبال داغ شدن بحث حمله آمریکا به ایران نیز آشکارا اعلام کرد در صورتی که بوش به ایران حمله کند او را استیضاح خواهد کرد.

وی در خصوص حمله آمریکا به عراق رای مثبت داده بود ولیکن پس از افزایش خشونت‌ها و درگیری‌ها در سال ۲۰۰۶، طرحی مبنی بر فدرالیزه کردن عراق و تقسیم آن به سه بخش کردنشین، شیعه‌نشین و سنی‌نشین مطرح نمود که با مخالفت دولت جورج بوش روبه‌رو شد. ودر پایان باید به این نکته اشاره کرد که سناتور بایدن در مصاحبه‌ای با شبکه اول تلویزیون اسرائیل گفت: " من یک کاتولیک معتقد هستم، و مانند هر کاتولیک سرسختانه بر این اصل پای می‌فشارم که یک کاتولیک خوب قبل از آن که مسیحی باشد، باید یک یهودی خوب باشد و من نیز پیش از آن که مسیحی باشم خود را یک یهودی می‌دانم. بلکه افتخار می‌کنم که بگویم یک صهیونیست هستم و به صهیونیست بودن خود افتخار می‌کنم و به وجود اسرائیل و ملی‌گرایی یهودیان سخت پای‌بندم».

### هیلاری کلینتون؛

**دیروز، رقیب سرسخت، امروز همکار کاخ سفید**  
هیلاری دیان رودهام کلینتون متولد ۲۶ اکتبر ۱۹۴۷ میلادی است. وی از سوم ژانویه سال ۲۰۰۱ میلادی به عنوان سناتور ارشد ایالت نیویورک مشغول به کار شد. هیلاری کلینتون در یازدهم اکتبر ۱۹۷۵ با بیل کلینتون، چهل و دومین رییس جمهوری آمریکا ازدواج می‌کند. پس از پیروزی بیل کلینتون، هیلاری از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ ساکن کاخ سفید و بانوی اول آمریکا می‌شود. پیش از این هیلاری سمت بانوی اول ایالت آرکانزاس را نیز کسب کرده بود و یکی از مهمترین و سرشناس‌ترین و کلای این ایالت به شمار می‌رفت. هیلاری در ایلینویز به دنیا آمده است. وی توانست در سال ۱۹۶۹ در رشته حقوق و از کالج ولسلی فارغ‌التحصیل شود. هیلاری سپس فعالیت حرفه‌ای خود را در سال ۱۹۷۳ در کالج حقوق بیل دنبال کرد. هیلاری کلینتون اولین سناتور زن نیویورک است. از آن جا که هیلاری یکی از اصلی‌ترین حامیان آغاز جنگ عراق بود، کابینه جورج بوش به شدت از وی حمایت می‌کرد. پس از مدتی هیلاری در یک تغییر موضع آشکار، به یکی از مخالفان جدی جنگ عراق تبدیل شد. هیلاری کلینتون در کمیته‌های بودجه، محیط زیست، نیروهای مسلح، کار و امور اجتماعی، بهداشت، آموزش، کار و بازنشستگی کار کرده است. وی که از اعضای میانه‌روی حزب دموکرات ایالت متحده آمریکاست، پس از یک مبارزه انتخاباتی

یک خود به تنهایی می‌تواند داعیه رییس جمهور شدن را داشته باشند و تقریباً از تمام نقاط جغرافیایی کشور (ایالت‌های جنوبی، غربی، شرقی و غرب میانه) با نژادهای مختلف (آمریکایی آفریقای تبار، آسیایی تبار، اسپانیولی و عرب‌تبار) و صاحب‌منصبان عالی‌رتبه دولت‌های سابق (وزیر، معاون و نماینده ویژه رییس جمهور) رادر خود پذیرا شده‌اند؛ لذا از مجموع کابینه و نمایندگان آمریکا در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی کلیدی‌ترین آنها را می‌توان چنین عنوان کرد که بر هر یک شرح مختصری ارایه خواهد شد:

معاون رییس جمهور  
وزارت امور خارجه  
وزارت دفاع  
وزارت خزانه‌داری  
وزارت دادگستری  
مشاور امنیت ملی

نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد  
جوزف آر. بایدن : مرد اول سیاست خارجی ایالات متحده متولد ۱۹۴۲ از خانواده‌ای کارگری در ایالت پنسیلوانیای آمریکا. دارای مدرک دکترای وکالت، عضو ارشد حزب دموکرات و از سال ۱۹۷۲ وارد سنا شده و از زمان ریاست جمهوری ریچارد نیکسون تاکنون ۶ دوره (۳۶ سال) نماینده ایالت دلاویر است، این کاتولیک ایرلندی‌تبار از سال ۲۰۰۱ تا به امروز رییس کمیسیون روابط خارجی سنا می‌باشد.

آقای بایدن نقش بسیار مهمی در جلب حمایت یقه آبی‌های سفیدپوست آمریکا، برای گرایش به سوی اوباما ایفا نمود. قدرت و توانایی آقای بایدن به عنوان یک چهره برجسته و قدرتمند عرصه سیاست خارجی و یکی از مردان باتجربه واشینگتن، دارای یک وجه منفی نیز هست؛ بهره‌مندی از یک چنین همگام و معاون قدیمی و با تجربه‌ای، احتمالاً بی‌تجربگی‌ها و خامی‌های آقای اوباما را پررنگ‌تر جلوه خواهد داد. این ویژگی همچنین سبب خواهد شد که تیم اوباما در عملیاتی کردن شعار اصلی خود «تغییر» دچار مشکل شوند. شهرت و آوازه آقای بایدن به عنوان یک سخت‌گوی قدرتمند ممکن است تحت تاثیر ناتوانی او در برابر پرسش‌های ساده و ابتدایی نیز قرار گیرد. او نشان داده است که مستعد در دادن گاف‌های ناگهانی است. در سال ۲۰۰۷ او اوباما را این گونه توصیف کرده بود: «او نخستین نفر از جنبش عمومی آمریکایی‌های آفریقای تبار است که شمرده سخن می‌گوید، همچنین باهوش، تمیز و خوش‌قیافه است».

بایدن در ابتدای رقابت‌های درون‌حزبی، یکی از رقیبان اوباما برای کسب کرسی نامزدی حزب دموکرات محسوب می‌شد، اما در همان مراحل اولیه با کسب نتایج ضعیف، صحنه رقابت‌ها را ترک کرد. بایدن سناتور ایالت دلاویر درباره مسایل جهانی و از جمله ایران هم دیدگاه مستقل و مثبتی دارد و بی‌جهت نیست که در میان آمریکایی‌ها به عنوان چهره‌ای خردگرا، واقع بین و قابل احترام معروف است. سناتور ۶۵ ساله



ریاست جمهوری، در دوران حضور خود در سنا جایگاهی بیش از یک نماینده رده معمولی را تجربه نکرد و حتی ریاست کمیسیونی را بر عهده نداشت. اما این نقش می‌تواند کلینتون را بدل به یکی از موثرترین بازیگران عرصه سیاسی داخلی و بین‌المللی آمریکا کند. از سوی دیگر نقش فرعی به بیل کلینتون در سیستم اوباما خواهد داد. این انتصاب خشنودی بسیاری از چهره‌های دموکرات را که در طول مبارزات انتخاباتی حامی او (کلینتون) بودند، سبب شده است، وارن کریستوفر وزیر امور خارجه دولت اول بیل کلینتون در این رابطه گفت: "سناتور کلینتون یک دیپلمات بالفطره است و می‌تواند روح تازه‌ای به این پست در دولت اوباما بدمد."

در مقابل برخی از حامیان اوباما از این انتخاب چندان راضی نبودند چرا که اوباما در جریان انتخاباتی تاکید کرده بود که " قصد دارد آمریکا را به دوره‌ای فراتر از دوره کلینتون ببرد و به ویژه ادعاهای رقیب درون حزبی خود را مبنی بر داشتن تجربی در عرصه سیاست خارجی انکار کرده بود، اما اینک وی پس از تکیه زدن بر منصب ریاست جمهوری به این نتیجه رسیده که مشکلات داخلی آمریکا او را نیازمند موفقیت و تجربه کلینتون در اداره مسایل سیاست خارجی به دور از هر گونه رقابت و اختلاف درون‌حزبی کرده است. در هر حال از آن جایی که احتمال بسیار ضعیفی دارد که هیلاری دوره آینده در انتخابات

ریاست جمهوری کاندیدا شود، طبعاً عقل حکم می‌کند تا در باقی‌مانده سال‌های فعالیت خویش حضوری موثر را در سیاست تجربه کند و از ۱۸ میلیون حامی (با اکثریت سفیدپوست) چشم‌پوشی کرد. و نفع حزبی را بر خواست‌های شخصی رجحان دهد. به اعتقاد عده‌ای گزینش بانوی اول سابق، نخستین اشتباه دولت جدید تلقی می‌گردد؛ چرا که در صورت تصدی مسوولیت وزارت خارجه به خط مشی قبلی همسرش در زمینه ایجاد سازش در خاورمیانه به نفع رژیم صهیونیستی، گرایش‌های جانبدارانه او از محافل صهیونیستی، فشار بر اروپا برای همراهی با کاخ سفید، افزایش فشارها بر ایران در راستای انقیاد این کشور در موضوع هسته‌ای، احیاء مجدد مسایل حقوق بشر و استفاده ابزاری از آن بر علیه چین ادامه خواهد یافت. آنچه واضح است ساختارهای وزارت خارجه بدون شک تغییراتی نسبت به قبل خواهد کرد، قرآن موجود نشان می‌دهد که همانند دوران بیل کلینتون پست دیپلماتیک "نماینده ویژه" خاص مناطق پرتنش احیا و یا ایجاد خواهد شد (خاورمیانه، افغانستان، پاکستان، ایران، هند و...) که درست برخلاف سیاستی است که کالین پاول وزیر دوره نخست جورج بوش در پیش گرفته بود و نقش محوری کار خود را بر روی وزارت دفاع، معاون رییس جمهور و آژانس‌های اطلاعاتی متمرکز کرده و حتی کاندولیزا رایس شخصا ابتکار عمل را در همه طرح‌های صلح بخصوص خاورمیانه به دست گرفت که کمتر موردی قرین موفقیت گشت. نامزد وزارت خارجه سیاستمداری واقع‌گرا در درون هرم قدرت آمریکا به حساب می‌آید. او جمله معروفی دارد که تاییدی بر این مطلب است او می‌گوید: "برای بهترین نتیجه کار کنید، در عین حال برای بدترین آماده باشید و گزینه‌ها را از روی میز بردارید اما وضعیت را نیز آتشین نکنید." بسیاری از مخالفانش به ویژه در میان کشورهای عربی معتقدند که وی بیش از اندازه به اسرائیل نزدیک است و این با سیاست تغییری که او با شعارش را می‌داد، منطبق نیست. واقعیت هر چند تلخ در آمریکا این است که اسرائیلی‌ها چنان در ساختار همه عرصه‌های قدرت آمریکا ریشه دوانده‌اند که هر سیاستمداری در این کشور برای بقای سیاسی خود ناچار است با اسرائیل هم‌نوایی کند. کلینتون در میان سیاستمداران آمریکایی دست کم پیشینه بهتری دارد. او سالها در دهه ۶۰ میلادی در زمره مدافعان سرسخت منافع فلسطینی‌ها بود و بیشترین حملات اسرائیلی‌ها را تحمل می‌کرد. تلاش برای کسب کرسی ریاست جمهوری آمریکا توسط همسرش و در مرحله بعدی تلاش برای حفظ ۸ ساله آن کرسی و در کنار آن وسوسه شدن جهت نامزدی کسب کرسی سنا آن هم از ایالت نیویورک با دست کم ۳ میلیون یهودی، از مدافع مظلوم، حامی ظالم ساخت. شاید با بررسی همین پرونده، او با مای هوشمند تشخیص داد که کلینتون بهایی دارد که بهتر است آن را بپردازد و از خطرانش مصون باشد. او با ما در عین حال هنگام معرفی کلینتون این نکته را گوشزد کرد که چارچوب سیاست خارجی آمریکا را او تعیین می‌کند. او با ما این انتصاب

و بازی هوشمندانه، یک دشمن خطرناک را دست کم به دشمنی بی‌خطر تبدیل کرد، هواداران حزب را مجدداً متحد ساخت، فرصت استفاده از تجربیات سیاسی و اقتصادی کلینتون و همسرش را برای کابینه‌اش مهیا کرد و هرگونه تردید احتمالی لابی اسرائیل را نیز در میزان وفاداری خود از بین برد. بی‌تردید برای او با ما اکنون به عنوان رییس جمهوری آمریکا اهمیت چندانی نخواهد داشت که برخی کشورها انتصاب خانم کلینتون را در تضاد با شعار تغییرات او بدانند. به نظرمی‌رسد که با حضور جو بایدن رییس سابق کمیسیون سیاست خارجی مجلس سنا در جایگاه معاون اول ریاست جمهوری و حضور یک نظامی بازنشسته به عنوان مشاور امنیت ملی و تداوم حضور گیتس در وزارت دفاع، هیلاری کلینتون آن چنان که در شخصیت وی باشد، از آزادی عمل برخوردار نخواهد بود. همچنین این احتمال وجود دارد که ترکیب معرفی شده برای تیم امنیت ملی آمریکا عرصه را برای ابراز وجود کلینتون که به استقلال عمل بیش از حد معروف است، تنگ کرده و بانوی اول سابق آمریکا را به ترک مسوولیت وزارت خارجه در ماه‌های اولیه وادار کند. گذشت زمان مشخص خواهد کرد آیا برآیند حضور خانم کلینتون در دولت او با ما بر وزن و اعتبار آن خواهد افزود یا اینکه با شناختی که از روحیات و پیشینه او وجود دارد، مانند نتیجه جمع جبری عمل کرده و از آن خواهد کاست.

### رابرت گیتس؛ بازمانده‌ی کابینه جورج بوش

رابرت گیتس متولد ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۸ است. دانشجوی دانشگاه ایندیانا بود که کار خود را در سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) آغاز کرد. رابرت گیتس سپس در سال ۱۹۶۹ به عنوان افسر اطلاعات و تجسس در اداره عملیات استراتژیک هوایی پایگاه وایتمن به کار مشغول شد. گیتس پس از پایان دوره سربازی مجدداً به سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا بازگشت. رابرت گیتس در سال ۱۹۷۴ سیا را ترک کرد و به شورای امنیت ملی آمریکا پیوست. او دوباره در اواخر سال ۱۹۷۹ به سیا بازگشت و در مرکز آمار و سنجش راهبردی این سازمان مشغول به کار شد. گیتس سپس در سال ۱۹۸۶ در پست معاونت سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا ایفای نقش نمود. رابرت گیتس توانست در سال ۱۹۸۷ ریاست کل سازمان سیا را برعهده بگیرد اما به خاطر متهم شدن به بی‌کفایتی در اداره امور ایران، از دولت ریگان اخراج شد (قضیه مک فارلین). گیتس تنها فرد در تاریخ سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) می‌باشد که از پایین‌ترین رده کارمندی تا بالاترین رده اجرایی این سازمان را تجربه کرده است. وی در ۸ نوامبر سال ۲۰۰۶ میلادی از سوی جورج بوش رییس جمهوری آمریکا به جای دونالد رامسفلد به عنوان بیست و دومین وزیر دفاع برای تصدی پست مزبور انتخاب شد. پس از پیروزی باراک اوباما، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، گمانه‌زنی‌های زیادی بر سر ابقای رابرت گیتس در پست وزارت دفاع این کشور انجام گرفت. این گمانه‌زنی‌ها در روز اول دسامبر به

واقعیت تبدیل شد و رابرت گیتس رسماً از سوی باراک اوباما به عنوان نامزد پست وزارت دفاع در دولت آینده آمریکا، معرفی شد.

انتخاب مجدد رابرت گیتس به عنوان وزیر دفاع، بیانگر این مطلب است که اوباما از میراث تلخی که رییس جمهور فعلی در عراق و افغانستان برای وی به جای گذاشته آگاه است و وزیر دفاع فعلی را در جایگاه خود نگه داشت تا هرگونه عواقب سیاسی و امنیتی ناشی از عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق را به عنوان نتیجه سیاست‌هایی که از سوی بوش پی‌ریزی شده و توسط وزیر دفاع وی عملیاتی شده جلوه دهد.

گیتس شصت و پنج ساله در خلال چهل سال گذشته در هفت دولت متوالی آمریکا خدمت کرده است؛ رییس پنتاگون دیدگاه‌هایی همسو با دیدگاه‌های اوباما درباره افغانستان و گوانتانامو دارد. اما دیدگاه رابرت گیتس درباره عراق به طور کامل با دیدگاه اوباما در این باره همسو نیست زیرا وزیر دفاع خواستار کاهش آهسته‌تر نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده است ولیکن اوباما در مبارزات انتخاباتی خود از خروج نیروهای آمریکایی طی یک جدول زمانی شانزده ماهه حمایت کرده بود. گیتس اخیراً به نمایندگان کنگره آمریکا گفته بود من از مسوولان کشور می‌خواهم راهبردهایی را اتخاذ کنند که در عین کاهش تدریجی حضور ما در عراق توصیه‌های ارایه شده از سوی فرماندهان نظامی را نیز مدنظر قرار دهند.

شایان ذکر است به دلیل جبهه‌گیری افکار عمومی و هزینه‌های سرسام‌آور نبردهای یک‌جانبه آمریکا طی یک دهه گذشته تاکنون، راهبردی زیر را می‌توان از دولت اوباما انتظار داشت: دعوت متحدین خود جهت حضور پرنرگتر در مناطقی که به عنوان حیاط خلوت ایالات متحده محسوب می‌شوند تا به نیابت از وی عهده‌دار انجام ماموریت‌های آمریکا گردند تا از حساسیت‌های احتمالی جلوگیری شود. مواضع وزیر دفاع کابینه در ارتباط با خروج از عراق به واقعیت نزدیکتر و ملموس‌تر به نظر می‌رسد چرا که طبق توافقنامه امضا شده میان دو کشور، نیروهای نظامی مستقر در شهرها و روستاهای عراق تا اوایل تیرماه ۱۳۸۸ به داخل پایگاه‌های نظامی آمریکا موجود در این سرزمین عقب‌نشینی نموده و پایان سال ۲۰۱۱ عقب‌نشینی از تمام خاک عراق تحقق می‌پذیرد. پس این قضیه عملیاتی شدن شعار اوباما را بیان نمی‌کند بلکه برنامه‌ای از پیش تعیین شده در متن توافقنامه است که مجری آن تنها دولت اوباما می‌باشد.

رابرت گیتس درباره دیگر مسایل جهانی مانند مساله هسته‌ای ایران هم اظهارنظرهایی کرده است؛ گیتس درباره اقدام نظامی علیه ایران هشدار داده و توسل به نیروی نظامی و قوه قهریه علیه این کشور را تنها به عنوان آخرین گزینه مجاز می‌داند وی خواستار استفاده از قدرت نرم برای مقابله با برنامه‌های هسته‌ای ایران بوده و از به کارگیری منابع مالی بیشتر، دیپلماسی و دیگر ابزارهای غیرنظامی برای برون رفت از این بن‌بست حمایت می‌کند.

**تیموتی گیتنر؛ مدیر جوان موفق**

تیموتی گیتنر ۴۷ ساله از اهالی نیویورک و تحصیل کرده دانشگاه دارتموث در علوم آسیایی است که تحصیلات خود را در زمینه اقتصاد بین‌الملل در دانشگاه جان هاپکینز به پایان برده است. او به زبانهای چینی و ژاپنی تسلط کامل دارد و تا به حال در کشورهای آفریقای جنوبی، هند، تایلند، چین و ژاپن زندگی کرده است که در حال حاضر ریاست بانک مرکزی نیویورک و معاون رییس کمیته پولی صندوق بین‌المللی پول را برعهده دارد. زمانی که رییس جمهور منتخب آمریکا اسامی تیم سه نفره اقتصادی خود را اعلام کرد، در راس آنها تیموتی گیتنر به عنوان وزیر خزانه‌داری، کریستینا رومر ریاست شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید و لورنس سامرز (وزیر سابق خزانه‌داری در دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون) را نیز به عنوان مدیر شورای اقتصادی ملی برگزید. این انتخاب توانست تاثیر مثبتی بر افزایش سهام وال استریت داشته باشد. رومر استاد دانشگاه برکلی در کالیفرنیاست. سامرز در سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ میلادی رییس دانشگاه هاروارد بوده است. به زعم بسیاری از کارشناسان مطلوب‌ترین گزینه‌ای که باراک اوباما برای وزارت خزانه‌داری آمریکا در پیش‌رو دارد تیموتی گیتنر، مرد کارکننده اقتصاد ایالات متحده است. گیتنر بارها ثابت کرده است که به‌رغم جوانی، چنان در زمینه امور اقتصادی دارای تجربه است که بارها و بارها بازارهای مالی آمریکا را از ورطه سقوط نجات داده است. رییس ۴۷ ساله بانک مرکزی نیویورک در زمان ریاست جمهوری بوش توانست به خوبی از پس بحران‌های بانکی ایالات متحده برآید، چنان که ایده‌های او دولت بوش را تا میزان قابل قبولی از ورطه‌ای که بانک‌های کلان کشور را گرفتار کرده بود نجات بخشید. گیتنر که برای پیشگیری از بحران‌های مالی بیشتر به طریقی منحصر به فرد توانسته نظام مالی کشورش را اصلاح کند، برای مقامات خزانه‌داری آمریکا ناآشنا و غریب نیست، چرا که در پایان ریاست جمهوری بیل کلینتون به عنوان نایب رییس امور بین‌الملل در این مکان مشغول به فعالیت بوده است. گیتنر پیش از پیوستن به بانک مرکزی نیویورک برای مدتی طولانی در صندوق بین‌المللی پول حضور داشت. جالب آن که هنگامی که نام گیتنر به عنوان رییس خزانه‌داری جدید ایالات متحده بر سرزبان‌ها افتاد، شاخص سهام داوجونز به یکباره ۶ درصد افزایش پیدا کرد. در سال ۲۰۰۳ میلادی به عنوان رییس بانک مرکزی نیویورک معرفی شد. او همچنین با کسب این موقعیت به عنوان نایب رییس و یکی از اعضای دائم کمیته سیاست‌گذاری بانک مرکزی آمریکا انتخاب شد. گیتنر که توانسته بود به خوبی قابلیت و توانایی خود را به اهالی واشنگتن و وال استریت ابراز دارد، در دوران بحران مالی سال ۲۰۰۸ که به دنبال اعطای وام‌های کلان، به بانک مرکزی و خزانه‌داری آمریکا راه یافته بود در مقام خود به دنبال راهکارهای موثر در این زمینه است. او با فعالیت مستقیم در وال استریت و همچنین ریاست یک بنگاه اقتصادی، بسیاری از قالب‌ها و

الگوهای پیشین روسای خزانه‌داری را کنار گذاشته است. البته این موضوع می‌تواند از طرفی در کابینه اوباما که همه از آنها انتظار تغییر و اصلاح بحران‌های مالی در قالب یک معماری نوین را دارند کارآمد ظاهر شود. گیتنر نه فقط به سبب مهارت‌های منحصر به فرد گفت‌وگو و مذاکره شناخته شده است، بلکه به سبب توانایی ارایه ایده‌های نوین در میانه سخت‌ترین چالش‌ها هم شهرت دارد. جاستین رولدسون یکی از دوستان دوران دانشجوییش به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته است که ماه جولای از تیموتی پرسیدیم که آیا وقت آن را دارد که خوب استراحت کند؟ او جواب داد: "جاستین... بهم فهم که ما برای همین مسایل زنده هستیم... همین بحران‌هاست که ما را زنده نگه داشته است".

**اریک هولدر؛ دادستان پر حاشیه**

اریک هولدر در ۲۱ ژانویه ۱۹۵۱ در نیویورک متولد شد. هولدر در سال ۱۹۷۶ با اخذ مدرک حقوق از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. هولدر پس از پایان تحصیلات در رشته حقوق، به وزارت دادگستری آمریکا رفت و از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۸ در این وزارتخانه کار کرد. در سال ۱۹۸۸ رونالد ریگان، رییس جمهوری اسبق آمریکا، هولدر را به عنوان یکی از قضای‌های دادگاه عالی واشنگتن دی.سی منصوب کرد. هولدر تا سال ۱۹۹۳ در این سمت خدمت کرد. پس از پیروزی بیل کلینتون، هولدر به سمت معاون دادستان کل آمریکا برگزیده شد. هولدر به عنوان اولین معاون دادستان کل آمریکا که اصلیتی آفریقایی - آمریکایی داشت،

این پست را تحویل گرفت. اریک هولدر در حال حاضر برای یک شرکت حقوقی کار می‌کند و دست آخر باراک اوباما، رییس جمهوری منتخب آمریکا، او را به عنوان دادستان کل آمریکا در کابینه آینده خود معرفی کرد. اریک هولدر ۴۷ ساله اولین آمریکایی آفریقایی‌تباری خواهد بود که این پست حساس و مهم را برعهده خواهد گرفت. هولدر یکی از طرفداران باراک اوباما در مبارزات انتخاباتی وی در مقابل هیلاری کلینتون و جان مک‌کین بود. شایان ذکر است که هولدر در سال ۲۰۰۰ میلادی و در روزهای پایانی ریاست جمهوری کلینتون، به عنوان مشاور رییس جمهوری به ایفای نقش پرداخت. قرار است سنای آمریکا ۱۹ دی ۸۷ برای دادن رای اعتماد به وی تشکیل جلسه دهد. اما گروهی از سناتورهای جمهوریخواه با توجه به پرونده کاری بسیار ناسالم هولدر در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون، خواستار تحقیقات گسترده‌تر از سابقه حرفه‌ای وی شده‌اند. حداقل هشت سناتور جمهوریخواه از مخالفان و منتقدان هولدر خواستار به تعویق افتادن جلسه رای اعتماد وی به تاریخ ۱۰ بهمن و یا بعداز هفته نخست آغاز به کار رسمی اوباما

شده‌اند. تحلیلگر روزنامه لس آنجلس تایمز می‌افزاید: "هشت سناتور ظرف روزهای گذشته اقدام به جمع‌آوری همه اسناد مرتبط با سابقه ناسالم‌کاری هولدر خواهند کرد تا همه این اسناد را در جلسه استماع صدور رای اعتماد وی در کنگره مطرح کنند. سناتور آرن اسپکتر از ایالت پنسیلوانیا و رییس کمیته قضایی سنا، رهبری گروه مخالفان هولدر را در سنا برعهده دارد. اسپکتر گفته است: «باید اطمینان حاصل شود که مقام دادستان کل آمریکا فردی باشد که هیچگونه سازش و مصالحه با افرادی که در انتصاب وی دخیل بوده‌اند نداشته باشد، ضمن آن که دیدگاه‌های دادستان کل نباید به هیچ وجه جانبدارانه و سیاسی‌کاری باشد و به غیر از تحقق عدالت، در پی برآوردن منافع هیچ فرد، گروه، نهاد و سازمانی نباشد.»



"طبق پرونده‌های موجود در کنگره آمریکا و مصاحبه‌هایی که با افراد ذی‌ربط انجام گرفته، هولدر بین سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ به عنوان قائم‌مقام دادستان کل آمریکا در دولت کلینتون، عملکردی بسیار ناسالم، مشکوک و اعتراض‌آمیز داشته است. اسپکتر می‌افزاید: «وی حداقل در سه پرونده بزرگ قضایی، فرمان عفو جانبدارانه صادر کرده است.» یکی از موارد مطرح شده علیه هولدر، دال بر آن است که وی نقش کلیدی در یکی از ۱۷۷ فرمان عفو و تخفیف مجازاتی که بیل کلینتون در روز آخر دوره کاری‌اش در ژانویه ۲۰۰۱ صادر کرد، داشته است. این پرونده مربوط به صدور فرمان عفو در مورد مارک ریچ است. همسر سابق ریچ میلیونها دلار به مبارزات انتخاباتی بیل کلینتون و تجهیز کتابخانه شخصی‌اش و به سایر چهره‌های سرشناس دمکرات‌ها کمک مالی کرده بود. یکی دیگر از نقاط تاریک در پرونده کاری هولدر مربوط به تخفیف مجازات ۱۶ تن از اعضا محکوم یک گروه تروریستی پورتو ریکوئی به سال ۱۹۹۹ است. که هولدر به جهت حفظ منافع شخصی‌اش، نقش کلیدی در صدور فرمان عفو در مورد محکومین این پرونده ایفا کرد. به نوشته

لس آنجلس تایمز، اف‌بی‌آی و همه قضاتی که حکم به مجازات این محکومین داده بودند، به شدت نسبت به صدور فرمان تخفیف مجازات علیه این محکومین اعتراض کردند. وی در سالهای اخیر به عنوان وکیل خصوصی مشغول به کار بود که به نوشته لس آنجلس تایمز، حتی عملکرد وی در این دوره کاری نیز مورد تحقیق سنا قرار خواهد گرفت. وی متهم است که در این دوران نیز در معامله‌ای پرسود، وکالت یک شرکت بین‌المللی را که متهم به همکاری با گروه‌های تروریستی در کلمبیا می‌باشد قبول کرده است. همه این اتهامات در دادگاه مورد تایید قرار گرفت. سناتورهای جمهوریخواه گفته‌اند که جلسات استماع صدور رای اعتماد هولدر طولانی خواهد بود.

### جیمز جونز؛ هم‌رزم جان مک‌کین

جیمز لوگان جونز در شهرکانزاس ایالت میسوری به سال ۱۹۴۳ متولد شد. کودکی و نوجوانی خود را در فرانسه گذراند و سپس به آمریکا بازگشت و در دانشگاه جورج تاون مشغول تحصیل شد. پدر جونز همانند جان مک‌کین در ارتش خدمت کرده و در نبردهای جنگ دوم جهانی نیز شرکت داشته است.

جیمز در سال ۱۹۶۷ با درجه ستوان دومی در نیروی دریایی آمریکا استخدام و برای جنگ به ویتنام (همزمان با حضور مک‌کین، البته هر یک در رسته‌های متفاوت) اعزام شد، بین سالهای ۱۹۷۴ تا اواخر ۱۹۷۵ در پایگاه سوم نیروی دریایی ایالات متحده در اوکیناواوی ژاپن خدمت کرد. او به تدریج رده‌های مختلف نظامی را در داخل و خارج از کشور تجربه کرده تا اینکه در آوریل ۱۹۹۹ به عنوان سی و دومین فرمانده کل نیروی دریایی انتخاب شد و تا سال ۲۰۰۳ در این سمت فعالیت کرد. وی در پست‌های فرماندهی متعددی از جمله فرمانده ستاد مشترک نیروهای آمریکا و اروپا در ناتو، فرمانده نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا، رهبر نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی در بوسنی و هرزگوین بوده است. این ژنرال چهارستاره پس از چهل سال خدمت در فوریه ۲۰۰۷ بازنشسته شد. پس از اشغال عراق و بروز مشکل امنیتی در این کشور، در می ۲۰۰۷ کمیسونی جهت کشف قابلیت‌های ارتش و پلیس عراق به نام کمیسون مستقل نیروهای امنیتی عراق تشکیل و مسوولیت آن را به جونز واگذار کرد؛ همچنین وی در اواخر سال ۲۰۰۷ از سوی کاندولیزا رایس به عنوان فرستاده ویژه امنیتی خاورمیانه منصوب شد.

باراک اوباما پس از پیروزی در انتخابات، فرمانده پر مدال را به سمت مشاور امنیت ملی کاخ سفید معرفی کرد. این سمت نیازی به اخذ رای سنا ندارد. می‌گویند مشاور امنیت ملی باید مثل یک پلیس ترافیک عمل کند و در روند سیاستگذاری شرکت نکند. مواقعی که وزارتخانه‌ها در بوروکراسی حاکم گیر می‌کنند و کند می‌شوند، نقش مشاور امنیت ملی پررنگتر می‌شود. او باید مراقب باشد که رییس جمهور از همه گزینه‌های پیش رو آگاهی پیدا کند. مشاور امنیت ملی از یک موهبت دیگر هم برخوردار است و آن نزدیکی به رییس جمهور است. دفتر او تنها ۱۵ متر

با دفتر بیضی‌شکل رییس جمهور فاصله دارد، اما فاصله دفتر وزیر امور خارجه با رییس جمهور ۱۰ دقیقه است. این مساله را نباید دست کم گرفت. شاید به همین خاطر باشد که مشاور امنیت ملی بیشتر روی مسائلی کار می‌کند که نگرانی اصلی رییس جمهوری به حساب می‌آید. اگرچه جونز خود را یک دموکرات می‌داند، اما به واقع تفکرات وی به تفکرات نئوکان‌های آمریکا نزدیک است. جیمز جونز خود یکی از منتقدان سرسخت سیاست‌های دونالد رامسفلد، وزیر دفاع سابق آمریکا بود. نکته مهم در اینجاست که انتقاد جونز به شروع جنگ عراق باز نمی‌گشت، بلکه وی براین باور بود که آمریکا باید با تمام قوا این جنگ را اداره کند. جونز همواره دونالد رامسفلد را به علت تعلل در اعزام نیرو و تجهیزات کافی به عراق به چالش کشیده است. وی در سال‌های اولیه جنگ عراق خواستار استفاده از تمامی امکانات پنتاگون برای یک‌سره کردن تکلیف این جنگ بود.

جیمز جونز به عنوان هماهنگ‌کننده سیاست خارجی آمریکا نقشی محوری در دولت اوباما را به خود اختصاص خواهد داد.

ویلیام کوهن وزیر دفاع دولت که از جونز در سمت دستیار بهره می‌گرفت، در خصوص او می‌گوید " او رفتاری متین و توانمندی بالایی در حل منازعه و اختلافات قدرتمند در تشخیص مسائل راهبردی و تکنیکی دارد"

### سوزان رایس؛ دوست صمیمی مادالین آلبرایت

سوزان الیزابت رایس متولد ۱۹۶۴ در واشنگتن، تحصیلکرده دانشگاه استانفورد در رشته تاریخ از نسل مهاجران قاره سیاه و همانند همان خود کاندولیزا رایس از متخصصان سیاست خارجی و جزو اقلیت آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار می‌باشد. او که سومین زن پس از آلبرایت و کراک پاتریک در تاریخ آمریکاست که به عنوان نماینده عازم مقر سازمان ملل متحد در نیویورک می‌شود، از جوانی نمایندگی مردم منطقه کلمبیا در سنا را در سر می‌پروراند، اما تقدیر چیز دیگری را برایش رقم زد و توانست بر اساس اراده قوی‌اش که نزد عام و خاص زبانزد بوده، به سیاست‌ورزی حرفه‌ای مبدل شود.

در سال ۱۹۸۸ در ستاد انتخاباتی دوکاکیس رقیب انتخاباتی بوش پدر، به عنوان دستیار روابط خارجی فعالیت داشت. او به لطف آشنایی خانوادگی و طولانی مدت با مادالین آلبرایت در دولت کلینتون، بخشهای سیاسی متنوعی از جمله اشغال در شورای امنیت ملی، مدیریت مجامع بین‌المللی و حفظ صلح، دستیار ویژه رییس جمهور در مسایل آفریقا و بالاخره معاون آفریقایی مادالین آلبرایت در وزارت خارجه را تجربه کرده است.

وی پس از ترک مسوولیت‌های دولتی از سوی اردوگاه دموکرات‌ها، مشاور سیاست خارجی جان کری رقیب جورج بوش طی سال ۲۰۰۴ بوده و همین سمت را نیز در ستاد انتخاباتی باراک اوباما به عهده داشت. او نیز، به افسانه سلاح‌های کشتار جمعی صدام دامن زد، در سال ۲۰۰۲ گفت: «روشن است که عراق یک تهدید جدی است... تردیدی نیست که باید به سلاح‌های کشتار

جمعی آن با قدرت برخورد شود، و این همان راهی است که ما در آن به پیش می‌رویم و فکر نمی‌کنم هیچ انسان مطلعی در این مورد شک داشت.»

«رایس» همچنین یکی از مدافعان آتشین حمله‌ی نظامی آمریکا به سودان در رابطه با بحران «دارفور» بوده است. به اعتقاد او «ایالات متحده آمریکا می‌تواند، ترجیحاً همراه با درگیری «ناتو» و حمایت سیاسی دولت‌های آفریقایی، فرودگاه‌ها، هواپیماها و تجهیزات نظامی سودان را مورد حمله قرار دهد. آمریکا می‌تواند «بندر سودان» را، که نفت سودان از طریق آن خارج می‌شود، بلوکه کند. سپس سربازان سازمان ملل متحد در صورت لزوم با زور، و با حمایت آمریکا و ناتو گسیل خواهند شد.»

همچنین رایس فرستاده ویژه شورای امنیت ملی در سال ۱۹۹۴ عازم رواندا و مسوول بررسی مساله نسل کشی در آن کشور شد.

اولین زن آفریقایی‌تبار که تا چندی دیگر سخنگو و مجری سیاست‌های ایالات متحده در سازمان ملل خواهد شد، اندیشه وحدت آفریقا و پیوستن آنان به اقتصاد جهانی و ارتقای امنیت ملی آمریکا را دو هدف اصلی خود قلمداد کرده است. همکاران قدیمی او در وزارت خارجه و شورای امنیت ملی عدم انعطاف، اقتدارطلبی و تسلط به مسایل سیاسی را از ویژگی‌های بارز او می‌دانند. او عضو شورای روابط خارجی نیز می‌باشد.

از برآیند گزینش‌ها چنین استنباط می‌شود که با عنایت به اینکه اوباما و کابینه‌اش وارث دو جنگ و مبارزه‌ی طولانی مدت با شبکه‌های تروریستی بوده‌اند و اقتصاد کشورشان در وضعیت نابسامانی به سر می‌برد، لاجرم برای رهایی از این بن‌بست باید شعار تغییر را فراموش کرده و جهت‌پاسخگویی به افکار عمومی داخلی و اتخاذ روش تازه در عرصه جهانی به چپش مهره‌هایی مجرب که طبعاً مدیران سرشناس دوره کلینتون خواهد بود، روی آورد. نکته پایانی که با مطالعه سیر تاریخی و عملکرد دو حزب حاصل می‌شود و نباید از آن غافل شد این است که اغلب تجاوزات، تحریم‌ها و جنگ‌های ایالات متحده در دوران زمامداری روسای جمهور دموکرات رقم خورده است. نرمش ظاهری، مدد از نفوذ خود بر کشورهای دیگر و گسیل کردن نیروهای آنان به نمایندگی از خویش به نقاط مختلف جهان و توسل به ابزارهای وابسته به طیف قدرت نرم، از راهبردهای این نحله فکری محسوب می‌شود.

منابع:

۱. دانشنامه ویکی پدیا
۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی آذرماه ۱۳۸۷
۳. سایت خبری شبکه تلویزیونی NBC
۴. سایت خبری شبکه تلویزیونی BBC
۵. روزنامه الشرق الاوسط ۱۷/۱۰/۸۷
۶. روزنامه اعتماد ملی ۲۰/۹/۸۷
۷. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مقاله نقش احزاب در سیاست خارجی آمریکا، شماره ۲۳۸-۲۳۷